

مقاله پژوهشی: فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران: تجربیات گذشته و چشم‌اندازهای آینده

هادی ثنائی پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

کارآفرینی در دهه‌های اخیر به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و به تبعیت از آن، فعالیت‌های پژوهشی در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی نیز به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. توجه پژوهشگران به سیاست‌گذاری کارآفرینی، حاکی از رشد تلاش‌های علمی در این حوزه بوده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانشی و پژوهشی کشور در موضوع سیاست‌گذاری کارآفرینی و ویژگی‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، مسئله‌ای است که این پژوهش‌ناظر به آن است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی روندهای حاکم و محتوای پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی، ارزیابی روش‌شناسی این پژوهش‌ها و تبیین چشم‌اندازی برای ارتقای پژوهش‌های این حوزه است. برای دستیابی به این اهداف، کلیه مقالات منتشرشده در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان با استفاده از روش فراتحلیل در شش گام بررسی شدند. یافته‌های پژوهش در سه بخش سیمای کلی پژوهش‌های پیشین، یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها و یافته‌های سیاست‌پژوهی، تبیین شده و در انتها، راه‌کارها و توصیه‌هایی ارائه شدند.

کلید واژه‌ها: کارآفرینی، توسعه، سیاست‌گذاری، فراتحلیل.

۱. استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی آزادشهر، دانشگاه گنبد کاووس (نویسنده مسئول):

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای و دولت‌ها، دستیابی به سطوح بالاتر رشد و توسعه اقتصادی است. در جهان کنونی، میزان رشد اقتصادی، به‌مثابه شاخصی برای ارزیابی عملکرد سیاست‌های اقتصادی هر کشور عمل می‌کند و کشورهای دارای رشد اقتصادی بالاتر، عملکرد بهتری نسبت به کشورهای دارای رشد اقتصادی پایین‌تر داشته‌اند. کارایی سیاست‌های اقتصادی هر کشور از طریق دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر تعیین می‌شود. یکی از بازیگران اقتصادی که در دهه‌های اخیر، نقش و اهمیت آن به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، کارآفرینان و فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها بوده است. کارآفرینی، شاخصی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورها است که توجه دولت‌ها را به خود جلب کرده و بر اساس آن، سیاست‌های حمایتی متنوعی برای رونق فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورها به اجرا درآمده است (آکس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴).

کارآفرینی به روش‌های مختلفی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است (استیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). می‌توان کارآفرینی را حلقه مفقوده در فرآیند رشد اقتصادی محسوب کرد (آدرچ^۳، ۲۰۰۵). شواهد متعددی مبنی بر سهم شرکت‌های کوچک و جدید کارآفرین در پویایی صنایع و منافع اقتصادی حاصل از آن وجود دارد. از این رو کارآفرینی به‌عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی مورد تأکید دولت‌ها می‌باشد (مورداک^۴، ۲۰۱۲).

با توجه به تأثیر فعالیت‌های کارآفرینان در ایجاد اقتصاد نوآورانه و مزایای ناشی از آن، حمایت دولت‌ها از فعالیت‌های کارآفرینانه رشد زیادی داشته و در سالیان اخیر، دولت‌ها به‌طور جدی کارآفرینی را تشویق کرده‌اند (لندستروم^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). هدف دولت‌ها از اجرای سیاست‌های حمایت از کارآفرینان، رفع موانع پیش‌روی آن‌ها می‌باشد (مینیتی^۶ و همکاران، ۲۰۰۶).

^۱ Acs

^۲ Stel

^۳ Audretsch

^۴ Murdock

^۵ Lundström

^۶ Minniti

دولت‌ها با تدوین راهبردها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عملی به‌منظور گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف، به دنبال رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین بخش‌های مختلف بوده‌اند و تسهیلات و شرایط لازم را برای شروع فعالیت کارآفرینان فراهم کرده‌اند (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷).

عملکرد کارآفرینان، توجیه‌کننده حمایت‌های دولتی و توجه سیاست‌گذاران به آن‌ها بوده است. به همین دلیل است که کشورها به دنبال این هستند که چگونه اقتصاد کارآفرینانه پویا و رقابتی ایجاد کنند (استیونسون و لندستروم، ۲۰۰۱). تحقیقات دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ نشان می‌دهد ۳۰ درصد تفاوت در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورها، به‌واسطه فعالیت‌های کارآفرینان است (آدرچ و توریگ، ۲۰۰۱). این نتایج، توجه سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده، به نحوی که امروزه، بخش مهمی از سیاست‌ها با هدف تسهیل شرایط برای فعالیت‌های کارآفرینان تنظیم می‌شوند (آکس و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۷).

در ایران نیز با وجود اهمیت کارآفرینی در توسعه کشور، توجه سیاست‌گذاران به مقوله کارآفرینی، عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست‌های توسعه کارآفرینی آن‌گونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵). به تبعیت از آن، دانش سیاست‌گذاری کارآفرینی نیز سابقه چندانی ندارد. هرچند در سالیان اخیر، توجه پژوهشگران به پژوهش در موضوعات مختلف مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی نشان از رشد تلاش‌های علمی پژوهشگران در این حوزه داشته است.

به‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده، عدم تبیین مبانی فکری سیاست‌گذاری کارآفرینی و برداشت‌های متفاوت از سیاست‌گذاری در این حوزه، نگرش‌های متفاوتی در قلمرو، تمرکز، سطوح، ابزارها، بازیگران، مخاطبان و نتایج سیاست‌های پیشنهادی برای توسعه کارآفرینی ایجاد کرده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانشی و پژوهشی کشور در موضوع سیاست‌گذاری کارآفرینی و ویژگی‌های پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، مسئله اساسی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این موضوع،

به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی بوده است که پیرامون پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان شکل گرفته است. این پرسش‌ها عبارت است از:

- روند حاکم بر پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان چه بوده است؟
- موضوعات و محتوای مورد توجه پژوهشگران سیاست‌گذاری کارآفرینی چه بوده است؟

- روش‌شناسی، راهبردها و ابزارهای پژوهشی در این پژوهش‌ها چه بوده است؟
 - چه دانشی در این حوزه تولید شده و پیشنهادهای بهبود کم و کیف آن چیست؟
- برای پاسخ‌گویی به سؤالات، پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان مبنا قرار داده شد و با استفاده از روش فراتحلیل و مرور سامانمند متون پژوهشی؛ روندها، محتوا، روش‌شناسی و دانش موجود بررسی و ارزیابی شده و در انتها، توصیه‌های سیاستی ارائه شدند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

کارآفرینی ابتدا مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. روان‌شناسان در اواسط قرن بیستم به تجزیه و تحلیل فرد و کشف آن دسته از ویژگی‌های فردی و متغیرهای شخصیتی که کارآفرین را از غیر کارآفرین متمایز می‌ساخت، توجه خود را معطوف داشتند. آن‌ها ویژگی‌هایی همچون تحمل ابهام، توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، داشتن انگیزه، تعهد و ... را به کارآفرینان نسبت دادند. با روی آوردن جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم مدیریت به مطالعه کارآفرینی، نظریه‌های اجتماعی- فرهنگی (تأثیر محیط و فرهنگ بر فرد در اقدام به کارآفرینی) شکل گرفت و الگوهای متعددی در خصوص چگونگی تأسیس شرکت‌ها ارائه گردید که عوامل محیطی و فردی تأثیرگذار بر فرآیند کارآفرینی را در برمی‌گرفت.

با انتشار تحقیقات دیوید برچ^۱ (۱۹۷۹ م) در خصوص سهم اشتغال‌زایی و روند سودآوری شرکت‌های کوچک در اقتصاد آمریکا و عدم کارایی شرکت‌های بزرگ، مزایای کارآفرینی بیش از پیش آشکار شد و دولت‌ها نیز سیاست‌های متعددی را برای توسعه

۱) David Birch

کارآفرینی در دستور کار خود قرار دادند. پس از آن، رابطه میان کارآفرینی و شرکت‌های کوچک به میزان زیادی مورد مطالعه پژوهشگران سیاست‌گذاری قرار گرفت و دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان دهه کارآفرینی نام‌گذاری شد (احمدپور داریانی و علائی، ۱۳۸۶: ۲۰).

با آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، دولت‌ها با اتکا به مدیریت دولتی خود، سیاست‌ها را به سمت تسهیل فعالیت‌های کارآفرینی تغییر دادند. دولت‌ها با تمرکز روزافزون بر کارآفرینی، آن را به‌عنوان سازوکار حل دامنه‌ای از مسائل فراروی خود در نظر گرفته و وارد دستگاه خط‌مشی‌گذاری کردند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۸ میلادی دولت انگلیس موفقیت‌آینده اقتصاد کشورش را در گرو تقویت کارآفرینان اعلام کرد. کشورهای دیگر نیز کارآفرینی را به‌عنوان یک راهبرد توسعه ملی پذیرفتند و برنامه‌های متعددی برای حمایت از کارآفرینی تدارک دیدند. به این ترتیب پیدایش پارادایم نوین کارآفرینی، سبب ایجاد الگوی مدیریت دولتی نوین در سطوح سازمان و جامعه مانند دولت کارآفرین شد. این دولت‌ها، نه تنها کارآفرینان دولتی‌اند بلکه به دنبال این هستند که بدانند چه سیاست‌ها و اقداماتی در تشویق فعالیت‌های کارآفرینانه نقش مؤثرتری را ایفا می‌کنند (احمدپور داریانی و علائی، ۱۳۸۶: ۲۲).

علاقه زیاد سیاست‌گذاران به مقوله کارآفرینی ناشی از این فرض است که کارآفرینان، مزایای اقتصادی زیادی با ارائه محصولات جدید، قیمت‌های پایین‌تر، نوآوری‌ها و بهره‌وری بالاتر حاصل می‌نمایند (هولز و همکاران، ۲۰۰۴). تحقیقاتی که در کشورهای مختلف انجام شد، نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های فردی که افراد کارآفرین بایستی از آن‌ها برخوردار باشند، عوامل محیطی و زمینه‌ای نیز بر توسعه کارآفرینی در جامعه مؤثرند. این موضوع در قالب الگوهای سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در پژوهش‌های گوناگون ارائه شده است.

به‌عنوان نمونه پیچ و همکاران (۲۰۱۷ م) سیاست‌های توسعه کارآفرینی را با رویکرد آمیخته اکتشافی و مطالعه موردی، با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل‌های آماری، بررسی کرده و درنهایت به اهمیت نقش دولت و نهادهای بخش عمومی برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دست یافتند. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل بخش عمومی بر توسعه فرصت‌های کارآفرینی مؤثرند.

آدیا و همکاران (۲۰۱۶ م) به روش پژوهش کیفی و با استفاده از مصاحبه، اطلاعات مربوط به کارآفرینان را گردآوری و تحلیل کردند. نتایج تأیید می‌کنند که بدون آموختن مهارت‌های اصلی (از قبیل مهارت‌های مدیریتی، ارتباطی، مالی و ...) نمی‌توان به توسعه کسب‌وکار دست یافت.

در خصوص اهمیت نهادهای بخش عمومی، وانگ و همکاران (۲۰۱۳ م) عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های کارآفرینی را با هدف طراحی چارچوبی برای اجرای سیاست‌های کارآفرینی با روش مطالعه موردی انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که محیط کلان اقتصادی - اجتماعی، عوامل نهادی، روابط و هماهنگی‌های درون‌سازمانی و گروه‌های ذی-نفع در اجرای سیاست‌های کارآفرینی تأثیرگذارند.

پژوهش آدرچ و همکاران (۲۰۰۷ م) با هدف تدوین چارچوبی برای سیاست‌گذاری کارآفرینی، به روش اکتشافی - تحلیلی انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش بر افزایش توانمندی‌ها و آموزش کارآفرینان، توسعه فناوری، دسترسی به منابع، خط‌مشی رقابت، حقوق مالکیت معنوی و محیط قانون‌گذاری، تشکیلات نهادی و بهبود محیط کسب‌وکار تأکید دارد.

همچنین در داخل کشور نیز در خصوص سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به‌عنوان نمونه فهام و پرهیزکار (۱۳۹۷) جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی کشور را با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بیشترین بازتاب مقوله‌های کارآفرینی، در اسناد مرتبط با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده است.

کشاوری (۱۳۹۷) با بازبینی ساختاریافته پژوهش‌های برگزیده، سازه‌های گوناگونی را در پیش‌برد اهداف توسعه کارآفرینی روستایی ایران شناسایی کرد. توانایی‌های کارآفرینانه، فرهنگ کارآفرینی، اصلاح یا تدوین قوانین حمایتی و دسترسی به سرمایه مهم‌ترین این سازه‌ها می‌باشند.

مقیمی و همکاران (۱۳۹۰) نیز با ارزیابی پیش‌برندگی سیاست‌های کلان و خرد توسعه کارآفرینی کشور نشان دادند که در مجموع، سیاست‌های خرد و کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی، در موقعیت پیش‌برنده نبوده و نیازمند بهبود هستند.

سیاست‌گذاری در بخش عمومی و سیاست کارآفرینی

سیاست، تصمیمات اتخاذشده از طرف دولت‌ها است که هدفی را تعریف کرده و ابزاری را برای دستیابی به آن مشخص می‌کنند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰). سیاست‌گذاری نیز مجموعه اقدام‌های پایدار و هدف‌مندی است که از سوی یک فرد یا مجموعه‌ای از نقش‌آفرینان برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه عمومی دنبال می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۴: ۴). سیاست‌گذاری عمومی (نظیر سیاست کارآفرینی) شامل شناسایی و ایجاد مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاستی برای مقابله با یک مشکل و محدود کردن مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای اتخاذ تصمیم نهایی است (بار و میتز، ۲۰۱۸: ۷۲). مسئله اصلی سیاست‌گذاری عمومی این است که چرا سیاست‌ها پدید می‌آیند و چگونه بازیگران سیاسی بر آن‌ها مؤثرند (جان، ۲۰۱۸: ۵).

در حوزه علمی کارآفرینی نیز به‌رغم کوتاه بودن عمر تحقیقات سیاست‌گذاری، تعاریف مختلفی از سیاست کارآفرینی ارائه شده است. از آنجایی که کارآفرینی یک مسئله عمومی است، برای توسعه آن نیاز به سیاست‌های مرتبط می‌باشد (روچا و بیرکینشاو، ۲۰۰۷). در واقع سیاست کارآفرینی با هنجارهای اجتماعی، ترجیحات کارآفرینی، ترتیبات نهادی و تغییر گفتمان عمومی سروکار دارد (هنری و همکاران، ۲۰۱۷: ۶). سیاست کارآفرینی در پژوهش‌های کارآفرینی و در سطح بین‌المللی به حوزه مورد علاقه محققین تبدیل شده و فعالیت‌های قابل توجهی در اتحادیه اروپا و هر یک از دولت‌های عضو آن در این زمینه صورت گرفته

۱ Policy

۲ Anderson

۳ Barr and Mintz

۴ John

۵ Rocha & Birkinshaw

۶ Henry

است (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۵). سیاست‌های کارآفرینی به‌طور مستقیم بر کارآفرینان و سرمایه‌گذاری‌های جدید تأثیر می‌گذارند (فوس و همکاران، ۲۰۱۸: ۴).

سیاست‌گذاری کارآفرینی یک حوزه در حال ظهور از جریان سیاست‌گذاری اقتصادی است که نیازمند توجه بیشتر بوده و به‌خوبی توسعه نیافته است. هرچند توجه به نقش کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۲ و سازمان‌های تحقیقاتی نظیر دیده‌بان جهانی کارآفرینی در انتهای دهه ۱۹۹۰ میلادی شروع شد اما همچنان دانش محدودی در زمینه سیاست‌گذاری کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه مستقل وجود دارد (شانکار و نیانندا^۳، ۲۰۱۷: ۱۸۶).

مبنای نظری سیاست‌های کارآفرینی، مبتنی بر نظریه شکست بازار و عدم تقارن اطلاعات است (ناوارو^۴، ۲۰۱۸: ۳۰۲). بر این اساس، سیاست‌گذاران کارآفرینی فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده و دیگران را برای پشتیبانی از نوآوری‌های پیشنهادشده خود بسیج می‌کنند (مینرتوم و لوتجنس^۵، ۲۰۱۷: ۴). در واقع سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی برای تشویق و تهییج فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بهره‌ور در بین افرادی است که به‌طور مستقل در کسب‌وکاری فعالیت می‌کنند (هنریکسون و استنکولا^۶، ۲۰۱۰).

سیاست‌گذاری کارآفرینی، ابزاری برای ترغیب به کارآفرینی است و هدف نخستین آن، برانگیختن افراد بیشتری به کارآفرینی است که این فرآیند با حرکت از کسب‌وکارهای نوپا به‌سوی راه‌اندازی اولیه کسب‌وکارها رخ می‌دهد (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۱). سازمان توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد)^۷، سیاست‌گذاری کارآفرینی را رهاسازی ظرفیت‌ها و تسهیل راه‌اندازی کسب‌وکارها می‌داند (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۵). سیاست‌گذاری کارآفرینی، هدایت کنش‌های مولد اقتصادی و اجتماعی برای افراد است (رایبی و رملوگان^۸، ۲۰۱۳).

^۱Foss

^۲Organization for Economic Cooperation and Development (O.E.C.D)

^۳Shankar & Nithyananda

^۴Navarro

^۵Mintrom & Luetjens

^۶Henrekson & Stenkula

^۷United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

^۸Rigby & Ramlogan

سیاست‌گذاران کارآفرینی، بازیگران پرنرژی هستند که با دیگران در مباحث سیاست‌گذاری کار می‌کنند تا به تغییرات شایسته‌ای دست یابند و فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرده و دیگران را برای پشتیبانی از نوآوری‌های پیشنهادی خود بسیج می‌کنند (میتروم و لویجنس؛ ۲۰۱۷: ۴). در این شرایط، توجه دولت‌ها نیز از تسهیل شرایط برای ایجاد بنگاه‌های جدید، به سوی حمایت از کسب‌وکارهای کارآفرینانه و با رشد بالا معطوف شده است (اکس و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۷). شواهد تجربی تأیید می‌کنند که نظام اقتصادی بسترساز و پرورش‌دهنده شرکت‌های کارآفرینانه با رشد بالا، برتر از نظام اقتصادی است که برای افزودن بر تعداد کسب‌وکارهای کوچک یا نرخ خوداشتغالی تلاش می‌کند (شین؛ ۲۰۰۸).

جمع‌بندی موضوع سیاست‌گذاری کارآفرینی آشکارکننده این نکته است که به‌رغم تنوع تعاریف، اغلب آن‌ها حوزه عمل سیاست‌ها را در بستر کارآفرینی می‌دانند. سیاست عمومی، استفاده دولت از قدرت برای اثرگذاری بر عملکرد اجتماعی، نظیر تغییر در تعداد کسب‌وکارهای کارآفرینانه است (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۱). در سیاست کارآفرینی، دولت‌ها با تدوین سیاست‌هایی برای گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه، نقش مؤثری را در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷: ۹۴۲).

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش فراتحلیل استفاده شده است. هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش‌های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش‌های پیشین و یک‌دست‌سازی آن‌ها با استفاده از روش‌های آماری، نتایج پراکنده و ناهماهنگ این پژوهش‌ها دقیق‌تر و منطقی‌تر می‌گردد (سکستون؛ ۲۰۰۶ به نقل از نادری، ۱۳۹۶: ۲۷۹).

در روش فراتحلیل همانند روش‌های هرمنوتیک، پدیدارشناختی و ... توجه به نگاه تفسیری-تحلیلی و مفاهیم، حائز اهمیت است. عموماً فراتحلیل را به‌عنوان روشی کمی می‌شناسند اما رویکرد کیفی به فراتحلیل و نمایان‌سازی مؤلفه‌ها و مفاهیم محتوایی مسئله

مورد پژوهش، قابلیت قرار گرفتن این روش در زمره روش‌های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). بنابراین پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج مطالعات انجام‌شده و به دست آوردن نتایج جدید است. همچنان که به نظر شرایبر^۱ (۲۰۰۸ م) هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده‌ها برای توسعه مفاهیم و شناسایی تم‌های مهم تحقیقات پیشین است.

در این پژوهش از فرآیند فراتحلیل که توسط کریپندورف^۲ تدوین شده، استفاده شده است. در این فرآیند، در گام اول، زمینه کار (تعیین محیط پژوهش و متدولوژی) طراحی شده، سپس در گام دوم، آثار و منابع جست‌وجو می‌شوند. در گام سوم محقق به واحدبندی داده‌ها (مضامین، پیام‌های مهم، واژگان و...) می‌پردازد و در گام چهارم، نمونه‌گیری از داده‌ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده‌های لازم برای گام پنجم به‌منظور تقلیل داده‌ها و تنزل آن‌ها به چندگونه/ طبقه استخراج می‌شوند. در گام پایانی نیز استنتاج و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد.



شکل ۱. فرآیند پیش‌بینی‌شده برای انجام تحقیق با روش فراتحلیل (کریپندورف، ۲۰۰۳)

برای اجرای فرآیند مذکور، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی از طریق مطالعه اسنادی آغاز شد و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست‌وجو و بررسی شدند. برای فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران، تمامی پژوهش‌های منتشرشده در قالب مقالات گردآوری شدند.

نمونه‌گیری به‌صورت تمام‌شماری انجام شده و در مجموع ۳۶ مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی، کدگذاری و تحلیل شدند. در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای سامان‌دهی داده‌ها استفاده کرده است.

^۱ Schreiber
^۲ Krippendorff

برای تقلیل داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (یافته‌های توصیفی، یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها و یافته‌های سیاست‌پژوهی) و در مجموع در قالب ۲۳ مقوله تحلیلی، طراحی شد. در نهایت، داده‌های پژوهش در فرآیندی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شده و نتایج ارائه شدند.

اعتبارسنجی (روایی و پایایی) این پژوهش از حیث روش تحقیق و نتایج حاصل شده به روش‌های متعددی بررسی شد. نخست آنکه در انتخاب آثار، طیف وسیعی از یافته‌های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت نه طیف محدودی از آن‌ها. به این نحو که در مقالات، ترکیبی از نظرها و دیدگاه‌های مختلف، ملاحظه و وارد آثار منتخب شد و فهرست آثار انتخاب‌شده از نظر علمی بودن، بررسی و آثار غیر مهم یا ژورنالیستی و ضعیف حذف شدند. همچنین از آنجا که در این پژوهش اجزاء و عناصر پیشنهادی در تحقیقات پیشین تحلیل و تفسیر شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آن‌ها قبلاً تأیید شده است، خود به روایی بیشتر منجر می‌گردد.

برای تأمین پایایی یافته‌های تحقیق، وجود یک طرح اجرایی^۱ و روش نظام‌مند برای تحقیقات کیفی، تا حد زیادی مشکلات ناشی از عدم پایایی یافته‌ها را کاهش می‌دهد. طرح اجرایی، تدبیر یا شیوه اجرایی برای بالا بردن درجه پایایی است و هدف آن، هدایت و راهنمایی پژوهشگر در طول تحقیق است (Yin, 2003). از آنجا که فرآیند پیش‌بینی‌شده برای انجام این پژوهش، گام‌های مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای داشته است، به صورتی کاملاً نظام‌مند و ساختاریافته اجرا شده و در تمامی مراحل از روشی مکتوب و منسجم استفاده شده است، بنابراین پایایی لازم برای نتایج محقق گشته است. همچنین خود‌بازبینی پژوهشگر در فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها، از دیگر روش‌ها برای افزایش قابلیت پایایی پژوهش است (Andreas, 2003). در گام‌های مختلف تحقیق، این موضوع رعایت شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران در قالب سه بخش به تفکیک ارائه شده است. همچنین در هر یک از بخش‌ها؛ نحوه تحلیل، ارزیابی و دسته‌بندی مطالب به تفصیل تشریح شده است.

الف: یافته‌های توصیفی (سیمای کلی پژوهش‌های پیشین)

بخش اول، به ارائه یافته‌های توصیفی اختصاص دارد. در این بخش، محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر سال انجام پژوهش، محورهای موضوعی و ... بررسی شدند که نتایج آن به شرح جداول ۱ و ۲ و شکل ۲ است.

جدول ۱. توزیع وضعیت آثار برحسب سال انجام پژوهش، جنسیت و تعداد پژوهشگران

سال پژوهش	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد	تعداد محقق	فراوانی	درصد
۱۳۸۵-۱۳۸۹	۶	۱۷٪	زن	۰	۰٪	فردی	۶	۱۷٪
۱۳۹۰-۱۳۹۴	۹	۲۵٪	مرد	۲۲	۶۱٪	دو نفر	۸	۲۳٪
						سه نفر	۱۱	۳۰٪
۱۳۹۵-۱۳۹۸	۲۱	۵۲٪	ترکیبی	۱۴	۳۹٪	چهار نفر و بیشتر	۱۱	۳۰٪
جمع کل	۳۶	۱۰۰٪	جمع کل	۳۶	۱۰۰٪	جمع کل	۳۶	۱۰۰٪

آن‌گونه که از جدول ۱ مشخص است، تا پیش از سال ۱۳۸۵ مقاله‌ای در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی، چاپ و منتشر نشده است و بیشتر پژوهش‌های این حوزه در سالیان اخیر انجام شده است. این روند رو به رشد، نشان از درک اهمیت موضوع در سال‌های اخیر دارد. ضمن آنکه تاکنون، سیاست‌های متعددی از سوی نهادهای مختلف برای کارآفرینی در کشور، تنظیم و ابلاغ شده و نیاز به پژوهش‌هایی برای ارزیابی و تحلیل این سیاست‌ها بیش از قبل احساس می‌شود.

از نظر جنسیت پژوهشگران، جدول ۱ گویای حضور کمتر زنان در این عرصه پژوهشی است. همچنین در انجام این پژوهش‌ها، تحقیقات گروهی بیشتر به چشم می‌خورد و تنها

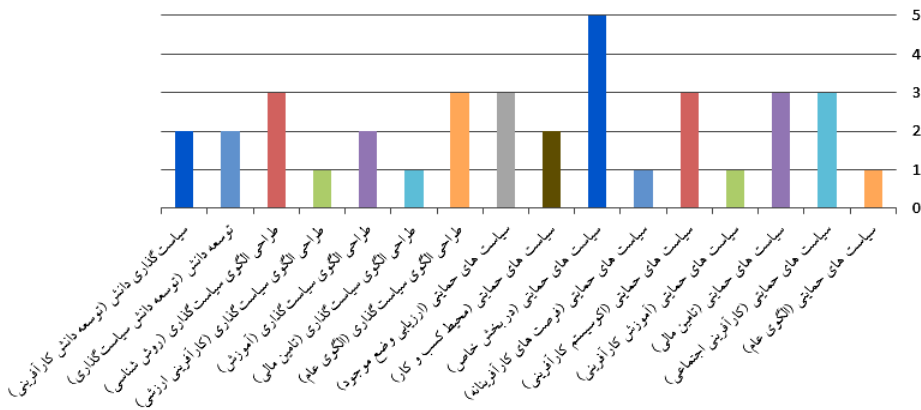
۱۷ درصد از تحقیقات به صورت فردی انجام شده است که منطبق با ماهیت مشارکتی پژوهش و تحقیق در حوزه سیاست‌گذاری است.

موضوع بعدی، حوزه تخصصی پژوهشگران و محققین حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی است. از منظر نویسندگان آثار، پژوهشگران رشته مدیریت (به‌طور عمده مدیریت دولتی) با ۴۲ درصد در رتبه اول، پس از آن محققین کارآفرینی (۳۱ درصد) و اقتصاد (۱۰ درصد) و سپس سایر رشته‌ها قرار دارند. نکته قابل توجه در این بخش از پژوهش، تنوع رشته‌های پژوهشی در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی است که تأییدی بر میان‌رشته‌ای بودن این حوزه پژوهشی و توجه رشته‌هایی نظیر مهندسی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی به این مقوله است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع وضعیت نویسندگان آثار برحسب رشته تحصیلی پژوهشگران

رشته تحصیلی	کار آفرینی	مدیریت	اقتصاد	جغرافیا	کشاورزی	جامعه شناسی	مهندسی سیستم	جمع کل
فراوانی	۳۱	۴۲	۱۰	۶	۵	۴	۲	۱۰۰
درصد	۳۱٪	۴۲٪	۱۰٪	۶٪	۵٪	۴٪	۲٪	۱۰۰٪

از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش‌ها به ۱۶ گروه قابل تفکیک است. تعداد پژوهش‌های مرتبط با هر محور به شرح شکل ۲ است. بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌های حمایتی از کارآفرینی در بخش‌هایی همچون نوآوری، گردشگری، کارآفرینی دانش‌بنیان، تعاونی و ... بوده است. سایر محورهای نظری در شکل مشخص است.



شکل ۲. توزیع پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری

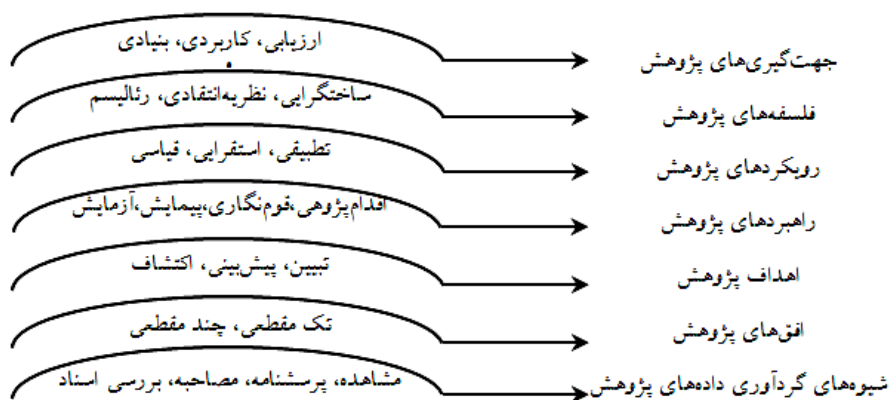
در یک نگاه کلی به شکل فوق، می‌توان تمامی ۱۶ محور شناسایی شده در پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی را در سه بُعد طبقه‌بندی کرد.

بُعد اول به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آن‌ها، طراحی سیاست‌های حمایتی کارآفرینی در بخش‌های مختلف (از قبیل توسعه فرصت‌های کارآفرینانه، اکوسیستم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، بهبود محیط و ...) و ارائه توصیه‌های سیاستی است. بُعد دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آن‌ها، طراحی الگوی سیاست‌گذاری کارآفرینی در بخش‌های مختلف (نظیر الگوی عمومی سیاست کارآفرینی، آموزش، تأمین مالی و ...) است. در نهایت بُعد سوم به توسعه دانش سیاست‌گذاری کارآفرینی اختصاص دارد.

ب: یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها

در بخش دوم، پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی با توجه به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل می‌شوند. از آنجا که پژوهش‌ها از نظر ماهیت موضوع، سؤالات و اهداف، عوامل و متغیرهای مؤثر بر پدیده و ... با یکدیگر متفاوت‌اند، بدیهی است که پارادایم، راهبرد و روش تحقیق متناسب و خاص خود را داشته باشند. فراتحلیل انجام‌گرفته در این

بخش، مبتنی بر چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات است که در اصطلاح به پیاز پژوهش^۱ معروف بوده و توسط ساندرز^۲ و همکاران (۲۰۰۹ م) ارائه شده است.



شکل ۳. پیاز فرآیند پژوهش (اقتباس از دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰)

با توجه به چارچوب تحلیل ارائه‌شده در شکل ۳، سطح اول تحلیل روش‌شناسی به ارزیابی جهت‌گیری پژوهش‌ها اختصاص دارد که شامل تحقیقات کاربردی، بنیادی، توسعه‌ای و ارزیابی (ارزشیابی) می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد نیمی از مطالعات انجام‌شده در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. پس از آن پژوهش‌های بنیادی و توسعه‌ای هرکدام با ۲۲ درصد و در انتها پژوهش‌های ارزشیابی با شش درصد قرار دارند.

جدول ۳. توزیع وضعیت آثار برحسب جهت‌گیری پژوهش

جهت‌گیری پژوهش	بنیادی	کاربردی	توسعه‌ای	ارزشیابی	جمع کل
فراوانی	۸	۱۸	۸	۲	۳۶
درصد	۲۲٪	۵۰٪	۲۲٪	۶٪	۱۰۰٪

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://onion.derby.ac.uk/>) و کتاب «روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع»، تالیف دکتر سید مهدی الوانی، دکتر عادل آذر و دکتر حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار.

سطح دوم چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات به ارزیابی فلسفه پژوهش‌ها اختصاص دارد. با توجه به جدول ۴، پژوهش‌هایی که تحت فلسفه اثبات‌گرایی انجام شده‌اند، بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده و در رتبه بعد، پژوهش‌های تفسیری و ساخت‌گرایی قرار دارند. پژوهش‌های فرا اثبات‌گرایی و انتقادی نیز در رتبه‌های بعدی می‌باشند.

جدول ۴. توزیع وضعیت آثار برحسب فلسفه پژوهش

فلسفه پژوهش	اثبات‌گرایی	ساخت‌گرایی - تفسیری	انتقادی	فرا اثبات‌گرایی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۱۲	۵	۶	۳۶
درصد	۳۶٪	۳۳٪	۱۴٪	۱۷٪	۱۰۰٪

سطح سوم چارچوب تحلیل روش‌شناسی به ارزیابی رویکردهای پژوهشی مرتبط است. با توجه به جدول ۵، بیشترین رویکرد استفاده‌شده در پژوهش‌ها به رویکرد استقرایی اختصاص دارد و پس از آن، رویکردهای قیاسی، تطبیقی و استقرایی - قیاسی قرار دارند.

جدول ۵. توزیع وضعیت آثار برحسب رویکردهای پژوهش

رویکردهای پژوهش	استقرایی	قیاسی	تطبیقی	استقرایی-قیاسی	جمع کل
فراوانی	۱۸	۹	۵	۴	۳۶
درصد	۵۰٪	۲۵٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰۰٪

سطح چهارم چارچوب تحلیل روش‌شناسی، ارزیابی روش پژوهش است که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است (جدول ۶). نتایج نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها از نوع کمی، پس از آن، پژوهش‌های کیفی و در نهایت پژوهش‌هایی قرار دارند که با روش آمیخته انجام شده‌اند.

جدول ۶. توزیع وضعیت آثار برحسب روش پژوهش

روش پژوهش	کمی و توصیفی	کیفی و تحلیلی	آمیخته و ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۸	۱۲	۶	۳۶
درصد	۵۰٪	۳۳٪	۱۷٪	۱۰۰٪

سطح پنجم چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات، تحلیل راهبرد پژوهش است که شامل مطالعه موردی، اقدام‌پژوهی، قوم‌نگاری، تاریخی، داده‌بنیاد، تجربی و آزمایشی، همبستگی و پیمایش می‌شود (جدول ۷). یافته‌ها نشان می‌دهد که در پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی، بیشتر از روش پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش‌های داده‌بنیاد، همبستگی و مطالعه موردی.

جدول ۷. توزیع وضعیت آثار برحسب راهبرد پژوهش

راهبرد پژوهش	پیمایش	داده-بنیاد	همبستگی	مطالعه موردی	سایر موارد	جمع کل
فراوانی	۱۴	۸	۶	۵	۳	۳۶
درصد	۳۹٪	۲۲٪	۱۷٪	۱۴٪	۸٪	۱۰۰٪

سطح ششم چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات، اهداف پژوهش را بررسی می‌کند. همان‌طور که در جدول ۸ مشخص است، بیشتر پژوهش‌ها با هدف توصیف شرایط انجام شده و سپس اهداف تبیین و پیش‌بینی، اکتشاف و توصیفی - اکتشافی قرار دارند.

جدول ۸. توزیع وضعیت آثار برحسب اهداف پژوهش

اهداف پژوهش	تبیین و پیش-بینی	توصیف	اکتشاف	توصیفی-اکتشافی	جمع کل
فراوانی	۸	۱۹	۵	۴	۳۶
درصد	۲۲٪	۵۳٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰۰٪

سطح هفتم چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات به ارزیابی افق پژوهش اختصاص دارد. در مجموع پژوهش‌ها در افق‌های پژوهشی تک‌مقطعی و یا چندمقطعی انجام می‌شوند (جدول ۹). یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی عموماً در افق تک‌مقطعی انجام شده و تنها شش درصد از تحقیقات در افق پژوهشی چندمقطعی و در طول زمان انجام شده‌اند.

جدول ۹. توزیع وضعیت آثار برحسب افق پژوهش

جمع کل	چندمقطعی	تک مقطعی	افق پژوهش
۳۶	۲	۳۴	فراوانی
۱۰۰٪	۶٪	۹۴٪	درصد

آخرین سطح از چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه‌های گردآوری داده‌های پژوهش

جمع کل	توکیب روش - ها	مصاحبه	پرسشنامه	بررسی اسناد و مدارک	شیوه گردآوری داده‌ها
۳۶	۶	۲	۱۰	۱۸	فراوانی
۱۰۰٪	۱۶٪	۶٪	۲۸٪	۵۰٪	درصد

ج: یافته‌های سیاست‌پژوهی

بخش سوم به ارائه یافته‌های سیاست‌پژوهی در تحقیقات حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی اختصاص دارد. فراتحلیل انجام‌شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل سیاست‌ها است که توسط ذاکر صالحی و قانع‌راد ارائه شده است. این چارچوب شامل بررسی موضوعات هفت‌گانه‌ای است که عبارت‌اند از: رویکردهای توصیه سیاستی، محتوای سیاستی، پشتوانه سیاستی، زمینه سیاست‌ها و راهکارها، نوع تغییر سیاستی، افق زمانی و سطوح سیاستی.

موضوع اول به بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر رویکردهای توصیه سیاستی اختصاص دارد. این رویکردها را می‌توان برحسب سه دسته کلی بررسی کرد. در ادامه، هر یک از روش‌های دسته‌بندی به همراه جزئیات، مؤلفه‌ها و مبنای تئوریک آن‌ها تشریح و نتایج تحلیل داده‌ها در هر یک از رویکردها ارائه می‌شود.

رویکرد اول، به ارائه توصیه‌های سیاستی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی اشاره دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش آوارز^۱ و همکاران (۲۰۱۱ م) است که راه‌کارهای سیاستی را به عوامل نهادی رسمی (نظیر عوامل مالی، خط‌مشی‌های دولت، زیرساخت‌های تجاری، خدماتی و فیزیکی، حقوق مالکیت معنوی و ...) و غیررسمی (نظیر آموزش، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، فرصت‌ها و توانایی‌های راه‌اندازی کسب‌وکار، تصویر اجتماعی کارآفرین، گرایش به نوآوری و ...) تفکیک کرده است.^۲ با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد پژوهش‌ها در عوامل نهادی رسمی، ۳۰ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی توصیه‌هایی داشته‌اند. ۳۴ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب عوامل نهادی را ارائه نکرده‌اند.

رویکرد دوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی اثرگذار بر ایجاد فرصت‌ها، انگیزه‌ها و مهارت‌ها (توانایی‌ها) توجه دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش لندستروم و استیونسون^۳ (۲۰۰۵ م) است که توصیه‌های سیاستی برای کارآفرینی در کشورها را به عوامل انگیزشی (نظیر هوشیاری کارآفرینانه، توزیع اطلاعات، الگوی نقش)، فرصت (نظیر سهولت ورود و خروج، کاهش موانع راه‌اندازی و رشد، رقابت، قوانین ورشکستگی، انعطاف‌پذیری بازار کار) و مهارت (آموزش کارآفرینی، یادگیری استفاده از دانش، تخصص در کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز، شبکه‌های همتایان) تفکیک کرده است.^۴ با توجه به این رویکرد، ۱۷ درصد از راه‌کارها به توسعه فرصت‌ها، هشت درصد به توسعه مهارت‌ها و سه درصد به توسعه انگیزه‌ها توجه داشته‌اند. همچنین ۳۳ درصد از پژوهش‌ها، ترکیبی از راه‌کارهای توسعه فرصت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۹ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب این عوامل را ارائه نکرده‌اند.

۱. Alvarez

۲. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به

(<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/1462600111106460/full/html>)

۳. Lundström & Stevenson

۴. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://www.springer.com/gp/book/9780387241401>)

رویکرد سوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی در قالب تقویت سمت عرضه یا تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد. این رویکرد مبتنی بر پژوهش ورهال^۱ و همکاران (۲۰۰۱ م) است. سمت تقاضا، فرصت‌هایی از راه تقاضای بازار برای محصولات ایجاد می‌کند و به واسطه عواملی مانند توسعه فناوریانه، تقاضای مصرف‌کنندگان، ساختار اقتصاد و ... تحت تأثیر قرار می‌گیرد. سمت عرضه نیز تحت تأثیر عواملی همچون ساختار جمعیتی، تراکم جمعیت، توانایی افراد و خصوصیات کارآفرینی آن‌ها، قرار می‌گیرد.^۲ با توجه به این رویکرد، ۴۲ درصد از پژوهش‌ها توصیه‌هایی در رابطه با بهبود سمت عرضه کارآفرینی، شش درصد به تقاضای کارآفرینی، ۱۹ درصد به هر دو سمت عرضه و تقاضا داشته‌اند. ۳۳ درصد پژوهش‌ها توصیه‌ای در این خصوص ارائه نکردند.

موضوع دوم در بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر محتوای سیاستی (ارائه راهکار و سیاست) است. برای بررسی این موضوع، الگوی جامع سیاست‌گذاری کارآفرینی که توسط آنکِتاد ارائه شده، در نظر گرفته شده که شامل پنج شاخص بهینه‌سازی محیط قانونی، بهبود دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی است.^۳ ۱۱ درصد از پژوهش‌ها به موضوعات مالی، هشت درصد به ارتقای آموزش و مهارت، سه درصد پژوهش‌ها به هر یک از موضوعات بهینه‌سازی محیط قانونی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی، ۳۰ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۴۲ درصد پژوهش‌ها به هیچ‌کدام از موضوعات اشاره‌ای نداشتند.

موضوع سوم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر پشتوانه سیاستی است. منظور از پشتوانه سیاستی، پشتوانه نظری و فکری یا تجربی برای ارائه راه‌کارها و

^۱ Audrestch

^۲ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://www.tinbergen.nl/discussion-paper/659/01-030-3>) (an-eclectic-theory-of-entrepreneurship-policies-institutions-and-culture)

^۳ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به

([https://unctad.org/en/Pages/DIAE/Entrepreneurship/Entrepreneurship-Policy-\(Framework-and-Implementation-Guidance.aspx](https://unctad.org/en/Pages/DIAE/Entrepreneurship/Entrepreneurship-Policy-(Framework-and-Implementation-Guidance.aspx))

سیاست‌ها است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارهای بیان‌شده در آثار تحت بررسی از پشتوانه نظری و فکری و ۵۰ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده‌اند.

موضوع چهارم، بررسی پژوهش‌ها از نظر زمینه سیاست‌ها و راه‌کارها است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها، تک‌زمینه‌ای و ۴۲ درصد چندزمینه‌ای بوده است.

موضوع پنجم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر نوع تغییر سیاستی است و اشاره به این دارد که راه‌کارها و سیاست‌ها، نظر به تغییر ساختارها دارند یا رفتارها و کارکردها. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها به تغییرات ساختاری، ۴۲ درصد به تغییرات رفتاری-کارکردی و ۳۰ درصد سیاست‌ها و راه‌کارها نیز به هر دو وجه از تغییرات ساختاری و تغییرات رفتاری-کارکردی توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر افق زمانی تغییرات پیشنهادی است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از توصیه‌های سیاستی در افق زمانی کوتاه‌مدت، ۴۲ درصد در افق زمانی میان‌مدت و ۳۹ درصد در افق زمانی بلندمدت قرار دارند.

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش‌ها از نظر سطوح سیاستی است که سیاست‌ها را در سه سطح ملی و فرابخشی، بخشی و فردی-سازمانی ارائه می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح ملی و فرابخشی، ۵۳ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح بخشی و ۱۷ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح فردی-سازمانی پیشنهاد شده است.

جدول ۱۱. تحلیل کمی یافته‌های سیاست‌پژوهی

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله‌های تحلیلی	فراوانی	درصد
	رویکرد سیاستی ۱	عوامل نهادی رسمی	۵	۱۴٪
		عوامل نهادی غیررسمی	۱۱	۳۰٪
		ترکیبی از عوامل نهادی رسمی و غیررسمی	۸	۲۲٪
		هیچ‌کدام	۱۲	۳۴٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۱	رویکرد سیاستی ۲	توسعه فرصت‌ها	۶	۱۷٪
		توسعه انگیزه‌ها	۱	۳٪
		توسعه مهارت‌ها	۳	۸٪
		ترکیبی از انگیزه‌ها، فرصت‌ها و مهارت‌ها	۱۲	۳۳٪
		هیچ‌کدام	۱۴	۳۹٪
جمع	۳۶	۱۰۰٪		
	رویکرد سیاستی ۳	عوامل سمت عرضه کارآفرینی	۱۵	۴۲٪
		عوامل سمت تقاضای کارآفرینی	۲	۶٪
		ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی	۷	۱۹٪
		هیچ‌کدام	۱۲	۳۳٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۲	محتوای سیاستی	بهبودسازی محیط قانونی	۱	۳٪
		بهبود دسترسی به منابع مالی	۴	۱۱٪
		ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی	۳	۸٪
		تسهیل انتقال فناوری و نوآوری	۱	۳٪
		ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی	۱	۳٪
		ترکیب عوامل فوق	۱۱	۳۰٪
		هیچ‌کدام	۱۵	۴۲٪
جمع	۳۶	۱۰۰٪		
۳	پشتوانه سیاستی	پشتوانه نظری و فکری	۱۸	۵۰٪
		پشتوانه تجربی	۱۸	۵۰٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۴	زمینه سیاست‌ها و راه‌کارها	تک‌زمینه‌ای	۲۱	۵۸٪
		چندزمینه‌ای	۱۵	۴۲٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله‌های تحلیلی	فراوانی	درصد
۵	نوع تغییر سیاستی	تغییر ساختارها	۱۰	۲۸٪
		تغییر رفتارها و کارکردها	۱۵	۴۲٪
		ترکیب عوامل تغییر ساختاری و رفتاری-کارکردی	۱۱	۳۰٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۶	افق زمانی	کوتاه‌مدت	۷	۱۹٪
		میان‌مدت	۱۵	۴۲٪
		بلندمدت	۱۴	۳۹٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۷	سطوح سیاستی	سطح ملی و فرابخشی	۱۱	۳۰٪
		سطح بخشی	۱۹	۵۳٪
		سطح فردی-سازمانی	۶	۱۷٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران انجام شده است. به این منظور از تکنیک فراتحلیل و مرور سامانمند متون پژوهشی استفاده شد و روندها، روش‌شناسی، محتوا و دانش موجود از جنبه‌های مختلف تحلیل شدند. نتایج این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران در قالب سه بخش ارائه می‌شود.

بخش اول به ارائه یافته‌های توصیفی (سیمای کلی پژوهش‌های پیشین) اختصاص دارد که محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهد پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی به‌طور عمده در ده سال اخیر، به‌صورت گروهی و توسط پژوهشگران رشته‌های مدیریت، کارآفرینی، اقتصاد و ... انجام شده است. همچنین تنوع رشته‌های محققین این حوزه تأییدی بر میان‌رشته‌ای بودن آن است. از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش‌ها به ۱۶ گروه قابل تفکیک است و بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌های حمایت از کارآفرینی است.

در بخش دوم، پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر روش‌شناسی تحلیل شدند. در این بخش از چارچوب، تحلیل روش‌شناسی ساندرز و همکاران (۲۰۰۹ م) در هشت سطح استفاده شد. در سطح اول، جهت‌گیری پژوهش‌ها ارزیابی شدند. نتایج نشان می‌دهد ۵۰ درصد مطالعات از نوع کاربردی، ۲۲ درصد بنیادی، ۲۲ درصد توسعه‌ای و شش درصد از نوع تحقیقات ارزشیابی می‌باشند. در سطح دوم، فلسفه پژوهش‌ها ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد ۳۶ درصد پژوهش‌ها تحت فلسفه اثبات‌گرایی، ۳۳ درصد تفسیری، ۱۷ درصد فرائیبات‌گرایی و ۱۴ درصد از نوع انتقادی بودند. در سطح سوم، رویکردهای پژوهشی ارزیابی شد. از این نظر، رویکرد استقرایی با ۵۰ درصد و سپس رویکردهای قیاسی با ۲۵ درصد، تطبیقی با ۱۴ درصد و استقرایی - قیاسی با ۱۱ درصد قرار دارند. در سطح چهارم، روش پژوهش ارزیابی شد که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است. نتایج نشان می‌دهد ۵۰ درصد پژوهش‌ها، کمی، ۳۳ درصد پژوهش‌ها کیفی و ۱۷ درصد پژوهش‌ها به روش آمیخته انجام شده‌اند. در سطح پنجم، راهبردهای پژوهشی تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که در پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی بیشتر از پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش‌های داده‌بنیاد، همبستگی و مطالعه موردی. در سطح ششم، هدف پژوهش بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد ۵۳ درصد پژوهش‌ها با هدف توصیف، ۲۲ درصد تبیین و پیش‌بینی، ۱۴ درصد اکتشاف و ۱۱ درصد نیز با هدف توصیفی - اکتشافی انجام شده است. در سطح هفتم، افق پژوهش ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد ۹۴ درصد پژوهش‌ها در افق تک‌مقطعی و شش درصد از در افق چندمقطعی (طولی) انجام شده‌اند. آخرین سطح نیز به ارزیابی شیوه‌های گردآوری داده‌ها اختصاص دارد. نتایج نشان می‌دهد برای گردآوری داده‌ها در ۵۰ درصد پژوهش‌ها از اسناد و مدارک، ۲۸ درصد پرسشنامه، ۱۶ درصد ترکیبی از روش‌ها و شش درصد نیز مصاحبه استفاده شده است.

بخش سوم به ارائه یافته‌های سیاست‌پژوهی در تحقیقات سیاست‌گذاری کارآفرینی اختصاص دارد. فراتحلیل انجام‌شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل سیاست‌های ذاکر صالحی و قانع‌راد (۱۳۹۴) در هفت حوزه رویکردهای توصیه سیاستی،

محتوای سیاستی، پشتوانه سیاستی، زمینه سیاست‌ها و راهکارها، نوع تغییر سیاستی، افق زمانی و سطوح سیاستی است.

رویکردهای توصیه سیاستی به سه دسته کلی قابل تفکیک است. نخست، ارائه توصیه‌های سیاستی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی مبتنی بر پژوهش آوارز و همکاران (۲۰۱۱ م) است. با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد پژوهش‌ها در عوامل نهادی رسمی، ۳۰ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی، توصیه‌هایی داشته‌اند. ۳۴ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب عوامل نهادی ارائه نکرده‌اند. رویکرد دوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی اثرگذار بر ایجاد فرصت‌ها، انگیزه‌ها و مهارت‌ها توجه دارد که مبتنی بر پژوهش لندستروم و استیونسون (۲۰۰۵ م) است. با توجه به این رویکرد، ۱۷ درصد از راهکارها به توسعه فرصت‌ها، هشت درصد به توسعه مهارت‌ها و سه درصد به توسعه انگیزه‌ها توجه داشته‌اند. همچنین ۳۳ درصد از پژوهش‌ها، ترکیبی از راهکارهای توسعه فرصت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۹ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب این عوامل ارائه نکردند. رویکرد سوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی در قالب تقویت سمت عرضه یا تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد که مبتنی بر پژوهش ورهال و همکاران (۲۰۰۱ م) است. نتایج نشان می‌دهد ۴۲ درصد پژوهش‌ها توصیه‌هایی در رابطه با بهبود سمت عرضه کارآفرینی، شش درصد به بهبود سمت تقاضای کارآفرینی، ۱۹ درصد به هر دو سمت عرضه و تقاضا داشته‌اند. ۳۳ درصد پژوهش‌ها توصیه‌ای در این خصوص ارائه نکردند.

موضوع دوم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر محتوای سیاستی (ارائه راهکار و سیاست) است که برای تحلیل از الگوی جامع سیاست‌گذاری کارآفرینی آنکتاد و شاخص‌های آن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد ۱۱ درصد از پژوهش‌ها به موضوعات مالی، هشت درصد به آموزش و مهارت، سه درصد پژوهش‌ها به هریک از موضوعات بهینه‌سازی محیط قانونی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی، ۳۰ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۴۲ درصد پژوهش‌ها به هیچ‌کدام از موضوعات اشاره‌ای نداشتند.

موضوع سوم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر پشتوانه نظری (فکری) یا تجربی برای ارائه راه‌کارها و سیاست‌ها است. نتایج نشان می‌دهد ۵۰ درصد راه‌کارهای پژوهش‌های بررسی‌شده از پشتوانه نظری و فکری و ۵۰ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده‌اند.

موضوع چهارم، بررسی پژوهش‌ها از نظر زمینه سیاست‌ها و راه‌کارها است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها، تک‌زمینه‌ای و ۴۲ درصد چندزمینه‌ای بوده است.

موضوع پنجم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر نوع تغییر سیاستی است. نتایج نشان می‌دهد که ۲۸ درصد سیاست‌ها به تغییرات ساختاری، ۴۲ درصد به تغییرات رفتاری (کارکردی) و ۳۰ درصد سیاست‌ها به هر دو وجه تغییرات ساختاری و رفتاری توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر افق زمانی تغییرات پیشنهادی است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از توصیه‌های سیاستی در افق زمانی کوتاه‌مدت، ۴۲ درصد در افق زمانی میان‌مدت و ۳۹ درصد در افق زمانی بلندمدت قرار دارند.

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش‌ها از نظر سطوح سیاستی است. نتایج نشان می‌دهد ۳۰ درصد از سیاست‌ها در سطح ملی و فرابخشی، ۵۳ درصد از سیاست‌ها در سطح بخشی و ۱۷ درصد از سیاست‌ها در سطح فردی - سازمانی پیشنهاد شده است.

ب) پیشنهادها

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، در ادامه پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شوند.

با توجه به اینکه اثرگذاری سیاست‌های کارآفرینی بین تمام افراد جامعه و گروه‌های مختلف از لحاظ حوزه‌های فعالیت، پایگاه و طبقه اجتماعی، سطح و مکان فعالیت و ... است، توصیه می‌شود پژوهش‌های این حوزه معطوف به تمامی بخش‌ها و حوزه‌های جامعه

باشد. چراکه علم کارآفرینی و سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر آن، از نوع میان‌رشته‌ای بوده و نیازمند در نظر گرفتن جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی، فناوری و سیاسی است.

از طرفی دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه توسط گروه‌های اقلیت از جمله زنان، مهاجران، جوانان، اقلیت‌های دینی و مذهبی، معلولین و ... انجام می‌شود، درحالی‌که سیاست‌های قابل توجهی برای این گروه‌ها تنظیم نشده و به تبعیت از آن، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به این افراد پرداخته باشند، بسیار کم و محدود است. به‌عنوان نمونه، زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند، درحالی‌که سیاست‌هایی که به‌طور منسجم و مشخص به توسعه کارآفرینی زنان پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و محققان به طیفی گسترده از گروه‌های مختلف توجه داشته باشند.

نکته قابل توجه در تحقیقات سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان، انجام تحقیقات با تخصص‌های متنوع و به‌صورت تیمی و گروهی و همچنین محورهای موضوعی متنوع است. تنوع رشته‌ها در پژوهش‌های حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی بر میان‌رشته‌ای بودن این حوزه پژوهشی تأکید دارد و انجام تحقیقات به‌صورت تیمی و گروهی در محورهای موضوعی متنوع، بر مشارکت هدفمند و متمرکز محققان که این مهم، نیازمند تأیید و تقویت است.

در موضوعات مرتبط با روش‌شناسی تحقیقات پیشین، از نظر جهت‌گیری پژوهش، بیشتر پژوهش‌ها از نوع کاربردی بوده و تنها شش درصد آن‌ها به ارزشیابی سیاست‌ها اختصاص داشته‌اند. این در حالی است که اهمیت ارزیابی در فرآیند سیاست‌گذاری بر کسی پوشیده نیست و بدون ارزیابی، این فرآیند ناقص خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات این حوزه به ارزیابی سیاست‌های کارآفرینی و نتایج برنامه‌های تدوین‌شده در اسناد مختلف سیاستی همچون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، برنامه‌های تخصصی توسعه کارآفرینی و ... پردازند. با ارزیابی سیاست‌ها می‌توان عملکرد تدوین‌کنندگان و اجراکنندگان سیاست‌ها را پایش کرده و بازخوردهای مناسب ارائه کرد.

از نظر فلسفه پژوهش نیز بیشتر پژوهش‌ها در فضای اثبات‌گرایی و تفسیری بوده و کمتر پژوهشی با رویکرد فلسفه انتقادی انجام شده است. با توجه به اهمیت نقد و ارزیابی در فرآیند سیاست‌گذاری، توصیه می‌شود پژوهش‌های بیشتری با فلسفه انتقادی، به نقد و ارزیابی سیاست‌های حوزه کارآفرینی بپردازند.

با توجه به روش‌شناسی و راهبرد پژوهش‌ها، بیشتر پژوهش‌ها با استفاده از روش‌شناسی کمی و راهبرد پیمایش و فنون آماری انجام شده‌اند. با توجه به جدید بودن حوزه موضوعی سیاست‌گذاری کارآفرینی، بدیهی است که ضعف نظری و مفهومی بیشتری در این حوزه وجود دارد. لذا توصیه می‌شود پژوهش‌ها به روش‌های کیفی و آمیخته انجام شده و همچنین به نظریه‌پردازی در این حوزه توجه جدی‌تری معطوف دارند. استفاده بیشتر از راهبردهای پژوهشی مطالعه موردی، داده‌بنیاد و نظایر آن می‌تواند راه‌گشای توسعه نظری این حوزه باشد.

از دیگر موضوعات قابل توجه در پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی، افق پژوهشی است. عمده تحقیقات این حوزه به صورت تک‌مقطعی بوده‌اند و داده‌های مورد نیاز برای انجام پژوهش در یک مقطع زمانی گردآوری شده است. این در حالی است که سیاست‌گذاری، فرآیندی پویا است و پژوهش در این حوزه نیازمند انجام یک فرآیند طولی و چندمقطعی در گذر زمان است. هرچند انجام پژوهش‌های طولی، نیازمند زمان، هزینه و طی کردن فرآیند پیچیده‌تری نسبت به تحقیقات مقطعی است، اما از آنجاکه سیاست‌گذاری یک فرآیند است و نتایج سیاست‌ها در طول زمان آشکار می‌شود، بنابراین انجام پژوهش‌های طولی و چندمقطعی برای تحلیل سیاست‌ها ضروری است.

در رویکردهای سیاستی آنچه اهمیت دارد، نگاه نظام‌مند و همه‌جانبه است. بدیهی است توسعه کارآفرینی معطوف به در نظر گرفتن و رشد همه‌جانبه بخش‌ها و عوامل مختلف است و توجه به بخش خاص و بی‌توجهی به سایر بخش‌ها، نتیجه‌ای جز اتلاف زمان و سایر منابع نخواهد داشت. با توجه به نتایج، توصیه می‌شود به ترکیبی از عوامل توسعه کارآفرینی در پژوهش‌ها توجه شود.

بررسی سایر متغیرهای تحلیلی سیاست‌پژوهی از جمله محتوای سیاستی، پشتوانه سیاستی، زمینه سیاست‌ها و راه‌کارها، نوع تغییر سیاستی، افق زمانی در نظر گرفته‌شده و سطوح سیاستی نشان می‌دهد عوامل در نظر گرفته‌شده برای متغیرهای مذکور، بیشتر تک‌وجهی بوده و درصد پایینی از تحقیقات، ترکیبی از عوامل مختلف را به‌عنوان راه‌کار برای توسعه کارآفرینی در نظر داشته‌اند. لذا توصیه می‌شود رویکردهای ترکیبی، در اولویت پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احمدپور داریانی، محمود و علائی، سوسن (۱۳۸۶)، «استراتژی توسعه کارآفرینی در بخش فرهنگ»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۷-۳۹.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوب مفهومی»، *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۵۵-۱۲۵.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و قانع‌راد، سید محمدامین (۱۳۹۴)، «مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۶۳-۲۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵)، «فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره ۳۳، صص ۱۹۹-۱۷۱.
- نادری، احمد (۱۳۹۶)، «فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۲۹۰-۲۵۹.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵)، «پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران، گزارش اول: شناخت وضع موجود مبتنی بر شاخص‌های *GEI*»، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال.
- هاوالت، مایکل و رامش، ام (۱۳۸۰)، «مطالعه خط‌مشی عمومی»، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

ب. انگلیسی

- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., Braunerhjelm, P., and Carlsson, B. (2004). The Missing Link: The Knowledge Filter and Entrepreneurship in Endogenous Growth. *CEPR Discussion paper* (2004). No. 4783, Center for Economic Policy Research, London.
- Acs, Z. J., Szerb L. & Autio E. (2016). Enhancing Entrepreneurship Ecosystems. A Systems of Entrepreneurship. *Approach to Entrepreneurship Policy. In: Global Entrepreneurship and Development Index 2015*. Springer Briefs in Economics. Springer, Cham.
- Alvarez, C., Urbano, D., Coduras, A. & Ruiz Navarro, J. (2011). "Environmental conditions and entrepreneurial activity: a regional comparison in Spain", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 18 (1), 120-140. <https://doi.org/10.1108/14626001111106460>
- Anderson, J. E. (2004). *Public policy making*, New York: Houghton Mifflin.

- Audretsch, D. (2005). The Emergence of Entrepreneurial Economics. In: Vinig RCW, Van DerVoort (Eds) *Res Tech Innov Manage Policy*, 9 (2005), 37-54.
- Audretsch, D. B. & Thurik, R. (2001). What is new about the new economy? Sources of growth in the managed and entrepreneurial economies. *Industrial and Corporate Change*, 10 (2001), 267-315.
- Audrestch, D. B., Thurik, A. R., Verheul, I. & Wennekers, S. (2002). *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*. Boston, Dodrecht and London: Kluwer.
- Barr, K. & Mintz, A. (2018). Public Policy Perspective on Group Decision-Making Dynamics in Foreign Policy. *The Policy Studies Journal*, 46 (1), 69-90.
- Foss, L. Henry, C., Ahl, H. & Mikalsen, G. H. (2018). Women's entrepreneurship policy research: a 30-year review of the evidence, *Small Business Economics*. (2018), 1-22.
- Henrekson, M. & Stenkula, M. (2010). *Entrepreneurship & Public Policy*, Handbook of Entrepreneurship Research.
- Henry, C., Orser, B., Coleman, B. & Foss, L. (2017). Women's Entrepreneurship Policy: a 13 Nation Cross-Country Comparisons, *International Journal of Gender and Entrepreneurship*. 18 (1). 12-27.
- Holtz, E. & Harvey, R. S. (2004). *Public Policy and the Economics of Entrepreneurship*, Massachusetts Institutes of Technology Publications.
- Hölzl, W. (2010). The Economics of Entrepreneurship Policy: Introduction. *Journal of Industry, Competition and Trade*. 103 (2010), 187-197.
- John, P. (2018). Theories of policy change and variation reconsidered: a prospectus for the political economy of public policy, *Policy Sciences*, 51 (1), 1-16.
- Lundström, A. & Stevenson, L. (2001). *Entrepreneurship Policy: Theory & Practice*, CA: Kluwer Academic Publishers.
- Lundström, A., Vikström, F. M., Meuleman, M., Glodek, Storey, D. & Kroksgård, A. (2017). Measuring the Costs and Coverage of SME and Entrepreneurship Policy: A Pioneering Study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 384 (2017), 941-957.
- Minniti, M., Bygrave, W. & Autio, E. (2006). *2005 Global Entrepreneurship Monitor Report*. London; Babson Park, MA: London Business School and Babson College.
- Mintrom, M. & Luetjens, J. (2017). Policy entrepreneurs and problem framing: The case of climate change, *Environment and Planning C: Politics and Space*, (2017), 1-16.
- Murdock, K. A. (2012). Entrepreneurship policy: Trade-offs and impact in the EU. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24 (9-10), 879-893.
- Navarro, L. (2018). Entrepreneurship policy and firm performance Chile's CORFO Seed Capital Program, *Estudios de Economía*, 45 (2), 301-316.
- OECD. (2007). *OECD Framework for the Evaluation of SME and Entrepreneurship Policies and Programmes*. ISBN: 978-92-64-04008-3.
- Rigby, J. & Ramlogan, R. (2013). *The Impact and Effectiveness of Entrepreneurship Policy*. CA: Nesta.

- Rocha, H. & Birkinshaw, J. (2007). Entrepreneurship Safari: A Phenomenon-Driven Search for Meaning, *Foundations and Trends in Entrepreneurship*, 33 (2007), 205-255.
- Shane, S. A. (2008). *The Illusions of Entrepreneurship*. New Haven and London: Yale University Press.
- Shankar, R. K. & Nithyananda, K. V. (2017). Developing Entrepreneurship Policy in India: Looking for Order in Chaos, *Twelfth Biennial Conference on Entrepreneurship*. (2017), 185-192.
- Stel, A.V., Carree, M. & Thurik, R. (2004). The Effect of Entrepreneurship on National Economic Growth; an Analysis Using the GEM Database. *SCALES-Paper*, N200320.
- Stevenson, I. & Lundström, A. (2007). Dressing the emperor: the fabric of entrepreneurship policy, in D. B. Audretsch, I. Grilo, & A. R. Thurik (eds). *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*. Cheltenham: Edward Elgar, (2007), 94-130.
- UNCTAD (2012). *Entrepreneurship Policy Framework and Implementation Guidance*. New York and Geneva, United Nation, unctad.org.
- Verheul, I. (2001). An eclectic theory of entrepreneurship: policies, institutions and culture. *Tinbergen Institute*, (2001) 6-36, available through <http://www.tinbergen.nl>.